



داعش و تروریسم جدید جهانی

دکتر مهدی میرزاده کوهشاهی *

اشاره:

قدرت گیری داعش و گسترش قلمرو این گروه موج جدیدی از تروریسم را در عرصه جهانی پدید آورده که گرچه همانندی‌های بسیاری با موج‌های گذشته تروریسم به ویژه فعالیت‌های گروه القاعده دارد اما استفاده این گروه از تبلیغات و فناوری و تحول در کارکرد و ماهیت تروریسم انفرادی موسوم به «گرگ‌های تنها» سبب شده جهان با نوع و موج جدیدی از تروریسم مواجه شود. در این نوشتار کنش‌های تروریستی داعش و کیفیت و کارکردهای آن برای این گروه با تأکید بر شیوه تروریستی موسوم به «گرگ‌های تنها» مورد بررسی قرار گرفته است.

مقدمه

به دفتر مجله طنز و فکاهی شارلی ابدو (که اسلام و مسلمان را مورد تمسخر قرار می‌دهد)، حمله به مساجد شیعیان در کویت و عربستان، حمله انتحاری به یک مرکز تروریستی در تونس و سرنگونی هواپیمای مسافربری روسیه در صحرای سینا همگی دانه‌های تسیحی هستند که با نخ یک گروه افراط‌گرای مذهبی به نام داعش به یکدیگر پیوسته‌اند. داعش برخلاف اسلاف افراط‌گرا و تروریست خود مانند القاعده که سودای مبارزه جهانی با استکبار و استعمار غربی را سرلوحه کار خود قرار داده و از این‌رو از گستره عملیاتی جهانی برخوردار بود، در ابتدا خود را در بندهای جغرافیایی محصور ساخت و تسلط بر یک قلمرو محدود و مدیریت آن را بر حضور کم‌رنگ در قلمروهای مختلف ترجیح داد. با چنین راهبردی داعش «شام» را میعاد گاه سرزمینی احیای خلافت اسلامی نامید، امری که ریشه در برخی روایات آخرالزمانی نیز دارد و از عراق به عنوان پشتوانه‌ای لجستیکی و ژئوپلیتیکی بهره جست، کشوری که اکنون جای خود را به لیبی داده است. بدین صورت که بر خلاف هسته‌های اولیه شکل‌گیری داعش یعنی گروه‌هایی مانند «دولت اسلامی عراق» که چندتن از سران تکفیری مانند «عمرالبغدادی» جان خود را برای تحقق آن از دست دادند، هارتلند دولت اسلامی عراق و شام، منطقه شامات با مرکزیت سوریه است. در این راستا عراق به دلیل وجود بنیادهای حمایتی مانند نیروی انسانی و منابع انرژی و مالی، نقشی به مثابه یک پشتوانه لجستیکی را ایفا می‌کند که می‌تواند داعش را از قرار گرفتن در حصر نجات دهد. با این حال به نظر نمی‌رسد عراق

در ماه‌های گذشته در حالی که پس‌لرزه‌های حملات تروریستی به فرانسه در قالب تحلیل‌های خبری و تهدیدات نظامی از سوی رسانه‌ها و مقامات غربی همچنان ادامه داشت، در کالیفرنیا آمریکا یک مرکز بهداشتی مورد حمله افراد مسلح ناشناس قرار گرفت که در نتیجه آن شماری جان باختند. در آذرماه در حمله یک فرد مسلح به سلاح سرد، در متروی لندن سه تن زخمی شدند. در دی‌ماه در جریان حمله‌ای ناکام در فیلادلفیا آمریکا یک پلیس توسط مردی که خود را عضو داعش معرفی کرد، زخمی شد. در این ماه داعش در حالی که از شهر الرمادی در عراق خارج شد تلاش کرد بنادر نفتی «سدر» و «رأس لانوف» در ۲۰۰ کیلومتری شهر سرت در لیبی را در اختیار گیرد، امری که به آتش‌سوزی گسترده در میداین نفتی منجر شد. در روزهای اخیر نیز شش انفجار شدید مرکز «جاکارتا»، پایتخت اندونزی، را به لرزه درآورد و چندین کشته و زخمی بر جای گذاشت. این حملات در کنار حملات آبان ماه پاریس و پیش از آن حمله



برای داعش نه تنها هارتلند بلکه حتی قلمروی حیاتی باشد و داعش از این قابلیت برخوردار است که در یک بازی ژئوپلیتیکی در ازای یک معامله بزرگ از آن عقب‌نشینی کند، همچنانکه این گروه در دی ماه از الرمادی عقب‌نشینی کرد و تلاش خود را معطوف به گسترش قلمرو خود در لیبی نمود، کشوری که بسیاری از ویژگی‌های عراق را دارد. لیبی از فقدان حکومت مرکزی و دودستگی سیاسی رنج می‌برد؛ گروه‌های تکفیری و نوسلفی در این کشور در حال رشدند و منابع انرژی قابل توجهی دارد. ویژگی‌های مزبور به همراه موقعیت ساحلی مناسب، نزدیکی به اروپا و همسایگی با کشورهای مسلمان شمال آفریقا سبب شده لیبی جایگزینی مناسب برای عراق و کمربندی محافظ برای فشار بر غرب باشد.

نکرده بود، تهدیدی برای غرب تلقی نمی‌شد و برخی اقدامات مانند سربریدن شهروندان غربی نیز اقداماتی واکنشی بود که از ماهیتی «تهدیدی-تضمینی» برخوردار بودند، بدین صورت که شهروندان غربی را جاسوسانی می‌دانست که با سربریدن آنها غرب را تهدید می‌کرد که چنانچه قصد مزاحمت برای این گروه را داشته باشند، باید منتظر چنین اقدامات خشن باشند و این برای داعش نوعی تضمین خودپنداشته در جهت عدم ایجاد مزاحمت از سوی غرب تلقی می‌شد. روی دیگر داعش زمانی خود را نشان داد که غرب بر آن شد که این گروه را در مقابل گروه‌های رقیب در سوریه تضعیف کند؛ جریان‌های مالی منتهی به این گروه را مسدود کرده و شهروندان تندرو خود را از سفر به قلمرو داعش و کمک به این گروه باز دارد. در اینجا بود که داعش تهدیدات خود برای جهانی کردن ترور را عملی کرد.

داعش؛ ماهیت یا قابلیت‌های چند گانه؟

یکی از پرسش‌هایی که می‌تواند بسیاری از اقدامات داعش و حتی موفقیت‌های این گروه را رمزگشایی کند این است که آیا داعش بالذات ماهیتی تروریستی دارد یا آنکه تروریسم ابزار و راهبردی برای تحقق اهداف سیاسی داعش است؟ به بیان دیگر آیا داعش یک گروه تروریستی است یا یک بازیگر سیاسی که ممکن است برای دستیابی به اهداف خود مانند همه بازیگران از ترور استفاده کند؟

به نظر می‌رسد ترور یکی از ابزارهای داعش است و نه بخشی از ماهیت آن. از نظر ماهوی داعش نیز یک بازیگر و گروه سیاسی است؛ سازمان سیاسی قلمروخواهی که در نوع

در گذشته غالب گرگ‌های تنها
افراد شناسنامه‌داری بودند که سابقه
کیفری و جناحی داشتند. از همین رو
شناسایی آنها برای سرویس‌های
امنیتی کار چندان دشواری نبود اما
نسل تازه گرگ‌های تنها که داعش
آن را ترویج و تشویق می‌کند، به باور
کارشناسان برخلاف گذشته، سوابق
جنایی و تروریستی، دست کم به
شکلی ثبت‌شده، ندارند.

داعش اگرچه ماهیتی قلمروخواه و سرزمین‌پایه دارد اما خود را در بند قیودات جغرافیایی اسیر نکرده است. این گروه با آگاهی از درهم‌تنیدگی امر «جهانی-محلی» و اشراف بر همه فرصت‌ها و ابزارهای زندگی در عصر جهانی شدن، با استفاده هوشمندانه از رسانه‌های نوین تفکرات و باورهای خود را در گستره‌ای جهانی پخش کرده است. این امر برای داعش این امکان را فراهم می‌کند تا از پشتوانه جهانی برای تثبیت موقعیت محلی خود بهره‌جوید. داعش به رغم برخی تهدیدات، مادامی که غرب به مثابه مزاحم و مخمل تغذیه لجستیکی این گروه عمل

روسیه مهم ترین اهداف اقدامات داعش بوده‌اند با این حال داعش از فعالیت در مناطقی مانند فلپین که پتانسیل عضوگیری در آنجا وجود دارد، غافل نشده است. این اقدامات داعش نشان می‌دهد داعش گروهی چندسر و فاقد انسجام سازمانی نیست و ماهیتاً سازمان سیاسی منسجمی دارد اما به دلیل چند وجهی و دوپایه بودن از قابلیت‌های چندگانه و ابزارهای متفاوتی برخوردار است.

کنش‌های تروریستی داعش؛ از دولت تروریستی تا گرگ‌های تنها

تروریسم وجه شناخته شده کنش‌های عملیاتی داعش است، با این حال داعش را نمی‌توان تنها در یک گروه تروریستی خلاصه کرد. این گروه که داعیه ایجاد یک دولت در قلمروی مشخص و روبه توسعه را دارد، بازیگری سیاسی است که از ترور به مثابه ابزاری کارآمد در نبردی نامتقارن بهره می‌برد. در واقع داعش محصول فرایندی است که کارشناسان از آن به عنوان جنایی شدن سیاست و مذهب یاد می‌کنند. آنچه سبب برجستگی وجه تروریستی داعش در مقابل وجه سیاسی و اجتماعی این گروه شده، تنوع و تخصص در استفاده از شیوه‌های مختلف تروریستی و گستره قابل ملاحظه فعالیت‌های تروریستی داعش است. حال آنکه فارغ از تنوع شیوه‌های ترور، گستردگی قلمرو فعالیت‌های تروریستی داعش نشان‌دهنده نفوذ سیاسی-اجتماعی این گروه در نقاط مختلف جهان است.

گونه‌شناسی فعالیت‌های تروریستی داعش نشان می‌دهد کنش‌های تروریستی داعش تلفیقی از تروریسم مذهبی، تروریسم سازمانی، تروریسم فردی، تروریسم شیمیایی، تروریسم شبکه‌ای و مجازی است که از منظر تاریخی در بستر تروریسم پست مدرن قابل بررسی و تحلیلند.

در نخستین مرحله می‌توان داعش را سازمانی تروریستی قلمداد کرد که با برنامه‌ریزی اقدام به ترور و حذف عوامل ناهمسو و مزاحم اعم از رهبران سیاسی، نظامی و حتی شخصیت‌های مذهبی می‌کند. البته تروریستی بودن این سازمان در اینجا به معنای نفی ماهیت سیاسی آن نیست چرا که در تروریسم سازمانی این سازمان‌های تروریستی هستند که اقدام به ترور می‌کنند. عمده اقدامات داعش در عراق و سوریه از جمله قتل و ترور مقامات دولتی، روحانیان مخالف، مسئولین امنیتی و فرماندهان گروه‌های رقیب در زمره این نوع فعالیت‌ها قرار می‌گیرند.

خود منحصراً به فرد است و شیوه‌های مدیریتی آن به ظاهر با زمانه همخوانی ندارد. اگر چه داعش ظاهراً سازمانی تک‌چهره و تک‌پایه می‌نماید اما در اساس دارای دو پایه است و وجه سیاسی داعش که برای غالب بازیگران پنهان است نیز همانند وجه عملیاتی آن که غالباً نمود تروریستی دارد، از کارآمدی سازمانی نسبتاً خوبی برخوردار است. داعش دارای یک عنصر و هسته مرکزی است که ماهیتی سیاسی دارد. این هسته به وسیله یک «کمر بند محافظ»، ایمن نگاه داشته می‌شود، این کمر بند دارای کارکردی تروریستی است. عناصر سازمانی و نیروی انسانی هسته مرکزی داعش را افرادی با کاریزما بالا، معنویت ظاهری، تظاهر به عطفوت اسلامی، رفتار کاملاً محاسبه‌گرانه تشکیل می‌دهند و از نظر سرزمینی نیز در رقه و موصل مستقرند. نیروی انسانی کمر بند محافظ را افرادی خشن، دارای روحیه انتقام‌جویانه و عموماً افراد ساده و بدون دانش سیاسی و دینی کافی تشکیل می‌دهند که پیرو دستورات و فتاوی هسته مرکزی‌اند. آنها از نظر سرزمینی نیز در نقاط مختلف جهان به صورت سلول‌های انفرادی یا چندیخته‌ای پراکنده‌اند و حتی در بسیاری از موارد وابستگی سازمانی ملموس و مشخصی با داعش ندارند، با این حال فرمان‌پذیری آنها از داعش در سطح بالایی قرار دارد. آنچه غرب را مورد هدف قرار داده کمر بند محافظ است که داعش آن را فعال کرده تا هزینه تقابل با این گروه و مزاحمت برای آن را بالا برده و از این معجزا تلاش کند هسته مرکزی آسیب نبیند. فارغ از میزان کارآمدی این راهبرد برای داعش، اقدامات و عوارض منتج از آن سایه وحشت و ترور را در عرصه‌ای جهانی گسترش داده است، هر چند تاکنون غرب و

داعش در کنار تروریسم سازمانی از راهبرد توسعه تروریسم فردی نیز استفاده می‌کند. تروریسم فردی به نوعی از تروریسم اطلاق می‌شود که در آن فرد بدون داشتن هیچ‌گونه ارتباط سازمانی با یگ گروه، تشکل یا دولت خاص به انجام فعالیت‌های تروریستی دست می‌زند. این تروریسم در واقع عملیاتی است که توسط فرد یا افراد مشخصی انجام می‌گیرد و فاقد سازماندهی معین هدایت‌شده از سوی یک مجموعه سازمان‌یافته است. با این حال در شکل‌گیری یا تشدید این نوع از تروریسم حتماً یک مجموعه سازمان‌یافته سیاسی وجود دارد که مبلغ و مروج چنین اقداماتی است. داعش در این زمینه نیز با ترغیب و تشویق نومسلمانان غربی و نسل‌های دوم و سوم مهاجران مسلمان و برخی جوانان، آنها را به سوی انجام فعالیت‌های تروریستی سوق می‌دهد که نمونه‌هایی از آن را در اروپا می‌توان مشاهده کرد.

بسیاری از کارشناسان نقش مذهب در کنش‌های تروریستی داعش را پررنگ و حتی غالب به تصویر می‌کشند اما واقعیت آن است که در این زمینه باید احتیاط بیشتر صورت گیرد. این درست است که بسیاری از عناصر داعش با قصد تقرب به درگاه خدا و پاک کردن جهان از آنچه پلیدی‌های سرمایه‌داری و انحرافات شیعیان و سکولارها می‌دانند به عنوان عامل تروریستی عمل می‌کنند و بر این باورند که انجام عملیات تروریستی حتی اگر به مرگ آنها منجر شود، زندگی اخروی سعادت‌مندی را برای آنها در بهشت رقم خواهد زد. با این حال مذهب در سطح کلان بیش از آنکه عامل اصلی ترویج ترور باشد به مثابه عامل توجیه ترور عمل خواهد کرد، بدین صورت که آوردن توجیهات دینی، انجام عملیات تروریستی را راحت‌تر می‌کند. برای داعش نیز اگر چه برقراری حکومتی دینی و خلافتی اسلامی بر منهای نبوت هدف غایی اعلام شده اما این هدف به همان میزان که مذهبی است، سیاسی نیز هست. نکته تکمیلی آنکه داعش محصول یک ایدئولوژی است نه محصول دقیق یک دین یا مذهب.

داعش همچنین از فناوری و پیشرفت‌های رایانه‌ای و اینترنتی نیز به خوبی در جهت اهداف تروریستی خود استفاده می‌کند. این گروه با انتشار تصاویر، وحشت‌ناشی از حوادث را بیشتر کرده، همچنین از فناوری‌های رایانه‌ای برای برقراری ارتباط میان اعضا، عضوگیری و تخریب زیرساخت‌های رسانه‌ای، حیاتی و مالی استفاده می‌کند. این گروه همچنین توانایی خود در زمینه استفاده از تسلیحات شیمیایی و حتی به ادعای برخی منابع ساخت آن را نیز نشان داده است. تا اینجا داعش همانند بسیاری از گروه‌های تروریستی عمل کرده است با این تفاوت

که قابلیت انجام طیف مختلفی از عملیات تروریستی را دارد. بر این اساس وجه تمایز داعش با سایر گروه‌های تروریستی در تحولی است که این گروه در تروریسم فردی ایجاد کرد و با تهدیدات و شروع اقدامات تروریستی داعش در غرب، مفهوم «گرگ‌های تنها» بار دیگر بر سر زبان‌ها افتاد.

«گرگ تنها» به تروریست‌های تک‌روی گفته می‌شود که اهداف تروریستی خود را به شکل انفرادی یا حداکثر با معاونت چند فرد محدود قابل اعتماد دنبال می‌کند. فعالیت گرگ‌های تنها می‌تواند به دلایل و انگیزه‌های شخصی یا به دلایل دینی و ایدئولوژیکی اما بر مبنای تشخیص شخصی صورت گیرد. پیوند گرگ‌های تنها و اسلامگرایی رادیکال، پیش از این با سازمان القاعده محقق شد. این سازمان به ویژه از سوی مجله‌ای که منتشر می‌کرد و در خطابه‌های «انور عولقی» خطیب آمریکایی از جهاد فردی و تهدید گرگ‌های تنها علیه غرب در قالب شعار «ما همه اسامه هستیم» استفاده می‌کرد. با این حال با تضعیف سازمان القاعده و کشته شدن عولقی در سال ۱۱۰۲ در یمن، موضوع گرگ‌های تنها کم‌رنگ شد اما در ماه‌های اخیر به شکل نوینی احیا شد.

در گذشته غالب گرگ‌های تنها افراد شناسنامه‌داری بودند که سابقه کیفری و جناحی داشتند. از همین رو شناسایی آنها برای سرویس‌های امنیتی کار چندان دشواری نبود اما نسل تازه گرگ‌های تنها که داعش آن را ترویج و تشویق می‌کند، به باور کارشناسان برخلاف گذشته، سوابق جنایی و تروریستی، دست کم به شکلی ثبت شده، ندارند. از این رو شناسایی آنها برای سرویس‌های امنیتی دشوار است. این نسل از گرگ‌های تنها مانند

جهانی شدن متولد شده و حتی بسیاری از کارشناسان، برآمدن آن را نتیجه نابرابری‌های ناشی از این فرایند می‌پندارند. پیشرفت‌های گسترده در عرصه فناوری ارتباطات و اطلاعات سبب شده جهان روزبه‌روز شاهد کاهش فاصله‌های کارکردی-جغرافیایی بوده و امر محلی و جهانی بیش از پیش در هم تنیده شوند.

نژادپرستی، اسلام‌ستیزی،
اسلام‌هراسی و رشد گروه‌های
راست‌گرای افراطی نیز از دلایل
نارضایتی جامعه مسلمان؛ طرد
آنها در جامعه و سوق دادن آنها
به سوی گروه‌های افراطی است.

نتیجه چنین فرایندی به تعبیر «مانوئل کاستلز» جامعه‌ای شبکه‌ای و سطحی است که در آن افراد و بازیگران به مثابه اجزا و گره‌های یک شبکه گسترده عمل می‌کنند و از این رو تا حد زیادی ماهیت سلسله‌مراتبی و اهمیت موانع جغرافیایی و مکان‌مند در بسیاری از مسائل و پدیده‌های جهانی از بین می‌رود و امکان بازیگری برای بازیگران آشنا به فناوری بیش از پیش مهیا می‌شود. تروریسم نیز در عصر جامعه شبکه‌ای دچار تحول شده و از یک سو ساختار سلسله‌مراتبی آن که مانعی در جهت چابکی سازمانی گروه‌های تروریستی بود از میان رفته یا آنکه بسیار کمرنگ شده است و از سوی دیگر قیودات سرزمینی و موانع فیزیکی نیز بسیار کاهش یافته و برخلاف گذشته مکان‌مندی آن به فضامندی تغییر یافته است، بدین صورت که دیگر تروریسم متعلق و زاینده مکانی خاص نیست و الزاماً در مکانی واحد تمرکز ندارد. تروریسم و عوامل تروریستی می‌توانند با خلق فضاهای رسانه‌ای، تبلیغاتی و گفتمانی بدون

«سیف‌الدین الرزقی»، جوان تونس‌سی عامل قتل‌عام در هتل شهر سوسه، «یاسین صالحی»، فرانسوی الجزایری تبار عامل حمله به کارگاه گاز در لیون فرانسه، «ابوالبراء الشامی»، عامل انفجار انتحاری در مسجد امام صادق (ع) کویت می‌توانند فاقد هرگونه سابقه منفی کیفری یا تروریستی باشند. آنها همانند مردم عادی لباس می‌پوشند، تحصیلات دانشگاهی دارند و حتی مانند الرزقی می‌توانند عضو یک باشگاه شبانه و رقص باشند یا مانند «ادوارد آچر» نومسلمان آمریکایی، هویت اجتماعی مسیحی داشته باشند. کارشناسان بر این باورند گرگ‌های تنهای جدید، کاملاً دور از چشم سیستم‌های امنیتی در حال فعالیت هستند و داعش با روی آوردن به نسل جدید تروریست‌های بدون سوءسابقه، پرونده جناحی و اطلاعات ثبتی در حال دورزدن دستگاه‌های اطلاعاتی است. داعش نه تنها به تربیت نسل جدیدی از تروریست‌های عمدتاً انتحاری روی آورده بلکه با تحول در شکل تروریسم، شکل نوینی از گرگ‌های تنها را به خدمت گرفته است که مهار و شناسایی آنها بسیار دشوار می‌نماید. این در حالی است که اقدامات احتیاطی مانند تحت‌نظر گرفتن افراد مستعد تبدیل به گرگ‌های تنها، می‌تواند سوءتفاهمات موجود بین غرب و مسلمانان را عمیق‌تر کرده و به در نهایت شمار بیشتری از افراد را به سوی رویارویی با غرب سوق دهد.

جامعه شبکه‌ای، تروریسم شبکه‌ای و گرگ‌های تنها

یکی از دلایل موفقیت داعش و دشواری مهار این گروه، دوره‌ی زمانی است که داعش در آن سربرآورده است. داعش برخلاف بسیاری از گروه‌های تروریستی و تکفیری در عصر



حضور مؤثر در یک مکان به تولید و بازتولید خود مبادرت ورزند. در چنین حالتی تروریسمی که متولد شده، آشنا به فناوری‌های نو بوده و به سان شبکه‌ای هم‌سطح و افقی فاقد ماهیت سلسله مراتبی است که چابکی را از آن بگیرد. در این نوع از تروریسم افراد در نقاط مختلف جهان پراکنده‌اند و از آنجایی که ماهیت گروه‌ها شبکه‌ای است، از بین رفتن، شناسایی یا دستگیری برخی از اعضا به کلیت گروه ضربه محکمی نمی‌زند چرا که شبکه خاصیت خودترمیمی دارد. با توجه به نقش فناوری و رسانه در شکل‌گیری تروریسم شبکه‌ای و پرورش گرگ‌های تنها، این نوع از تروریسم در زمانه فعلی کارآمدترین گونه کنش تروریستی برای سازمان‌های تروریستی است. زیرا برای جذب، آموزش افراد و انجام عملیات تروریستی هزینه اندکی صرف می‌شود. داعش با واقف بودن به کارکردهای این نوع از تروریسم، با تحول در آن، گسترش آن را در برنامه‌های راهبردی خود گنجانده است. تحولی که داعش در تروریسم موسوم به گرگ‌های تنها ایجاد کرد، این است که نخست؛ با تبلیغات، گستره دامنه و شمار گرگ‌های تنها و افراد مستعد کنش تروریستی را گسترش داد. در نتیجه این اقدام ناراضیان از وضعیت اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی در غرب به صف همیاران داعش پیوستند. دوم؛ با ارتباط‌گیری با گرگ‌های تنها به آنها وابستگی سازمانی اما نامحسوس بخشید. از همین رو می‌توان با پیش کشیدن ضرب‌المثلی ادعا کرد که گرچه چالش فعلی جهان و غرب گرگ‌های تنها هستند اما «هیچ گرگی به تنهایی شکار نمی‌کند» و در واقع «هیچ گرگ تنهایی، تنها نیست»، امری که کارشناسان غربی نیز بر آن تأکید دارند، بنابراین غرب با موجودیت‌های تروریستی نامحسوس و پنهانی روبرو است. سوم؛ در ارتباط‌گیری و یارگیری تمرکز خود را بر جذب افراد فاقد پیشینه تروریستی و کیفی قرار داد. این اقدام داعش، شناسایی عناصر همسو و وابسته به داعش را برای سرویس‌های امنیتی غربی دشوار کرده است.

بسترهای فکری و محیطی رشد گرگ‌های تنها

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان ریشه‌های تروریسم موسوم به گرگ‌های تنها موجود در غرب را در دو سطح و محیط جغرافیایی بررسی کرد. در سطح نخست، این افراد محصول شرایط نابسامان سیاسی-اجتماعی خاورمیانه و شمال آفریقا هستند. غالب گرگ‌های تنها را افرادی مهاجر از کشورهای منطقه به غرب تشکیل می‌دهند. افرادی که بر اثر فقدان آزادی‌های مدنی و سخت‌گیری حاکمان منطقه به غرب

مهاجرت کرده یا به دلیل اشغال کشورهای آنها توسط غرب یا فروپاشی حکومت و ورشکسته شدن کشورهایشان از بیم جان و در سودای نان عازم غرب شده‌اند. فلسطین، الجزایر، مصر، یمن، عراق، سوریه و در رتبه‌های بعد عربستان و مراکش کشورهای هستند که شهروندان آنها یا حس تلخ اشغال شدن و جنگ و نابسامانی داخلی را تجربه کرده‌اند یا در سایه رژیم‌های دیکتاتوری حقوق و آزادی‌های اولیه آنها محدود شده، از این رو مهاجرت را بر ماندن در کشور خود ترجیح داده‌اند. آنچه شایسته توجه است آن که این افراد با ذهنیتی متفاوت عازم غرب شده اما پس از سکنی گزیدن در غرب ایده‌آل‌های آنان بر آورده نشده و حس شهروند درجه دو بودن و طرد شدگی از جامعه، ارتباطات فرهنگی و ذهنی آنها با جامعه مبدأ را قطع نکرده و آنها را به سوی انتقام از غرب سوق داده است. در این میان داعش با تبلیغات رسانه‌ای و ایجاد یک فضای گفتگومانی حس انتقام‌جویی آنها را تحریک و تقویت کرده و آنها را برای کنش تروریستی مهیا می‌کند.

در سطح بین‌المللی و محیط غرب نیز کاتالیزورها و عواملی برای سوق دادن شهروندان مسلمان به سوی تقابل انفرادی با غرب وجود دارد. در نخستین عامل می‌توان به گفتمان مذهبی حاکم بر جامعه مسلمانان باورمند در غرب اشاره کرد. غرب به دلیل روابط حسنه با رژیم‌های اقتدارگرا و واپس‌مانده عربی سال‌ها نسبت به فعالیت گروه‌های مذهبی و موسسه‌های خیریه نزدیک به این کشورها بی‌تفاوت بود. این گروه‌ها مواد لازم برای تشکیل گفتمانی را فراهم کردند که داعش سازمان آن را ترسیم و تأسیس کرد. در نیم قرن گذشته به ویژه پس از انقلاب اسلامی

که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در اظهارات دونالد ترامپ نامزد جمهوری خواهان برای ریاست جمهوری آمریکا مشاهده کرد. این در حالی است که وضع قوانین محدودکننده برای مهاجرت و شهروندی و برخورداری از مزایای موجود در جامعه غربی همواره نارضایتی مسلمانان را در پی داشته است. امری که مقام معظم رهبری نیز در نامه دوم خود به جوانان غربی آن را در قالب مفهوم «برگشت پذیری ظلم» مورد اشاره قرار دادند: «در برخی از کشورهای اروپایی مقرراتی وضع شده است که شهروندان را به جاسوسی علیه مسلمانان وامی‌دارد؛ این رفتارها ظالمانه است و همه می‌دانیم که ظلم، خواه ناخواه خاصیت برگشت‌پذیری دارد».

تحولات منطقه و دخالت‌های نابجای غرب در امور کشورهای اسلامی از دلایل دیگر سوق دادن جوانان مسلمان به سوی تقابل با غرب است. باورمندان مسلمان ضمن نکوهش غرب به خاطر اشغال، استعمار و غضب سرزمین‌های اسلامی، غرب را به دلیل حمایت از رژیم‌های دیکتاتوری، جنگ‌افروزی در منطقه و کمک به گروه‌های لیبرال و نظامی برای به حاشیه راندن اسلام‌گرایان مورد سرزنش قرار می‌دهند. با تداوم سیاست‌های نادرست غرب، تقابل باورمندان اسلامی به دولت‌های غربی بیشتر شده و به دلیل ناهم‌وزن بودن قدرت دو طرف، مسلمانان تندرو به سوی نبرد نامتقارن و انجام فعالیت تروریستی کشیده می‌شوند. از این رو تا مادامی که سیاست‌های غرب در منطقه تغییر نکند، فضا و بستر لازم برای کنش‌های تروریستی جمعی و انفرادی ادامه خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

در حالی که جنگ و کشمکش‌های سیاسی-نظامی کنش‌گران داخلی، بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بین‌المللی در چند کشور خاورمیانه همچنان تداوم دارد، داعش از فرصت موجود استفاده کرده و در صدد تثبیت پایه‌های قدرت خود است، امری که خوشایند هیچ کدام از بازیگران نیست. پس از آنکه تلاش‌ها برای سرنگونی حکومت سوریه ناکام ماند و تضعیف دولت عراق، بازیگران غربی و عربی را به مقاصدشان نرساند و موجی از مهاجرت و تروریسم را روانه غرب کرد، اینک همه بازیگران به این نتیجه رسیده‌اند که تداوم وضعیت موجود تنها به نفع داعش است، هر چند بازیگرانی مانند رژیم صهیونیستی نیز پیش از این میوه‌های شیرین این کارزار تلخ را چیده‌اند. با این حال به دلیل ناهمسویی منافع، حصول به موضع و کنشی واحد دشوار است اما

ایران، به استثنای یک دوره زمانی نه چندان طولانی بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر تمرکز غرب بر مسلمانان شیعه متمرکز شد. این در حالی بود که کنش‌های خفته تروریستی در جامعه شیعیان عملاً یافت نمی‌شود.

هم‌اکنون نیروی انسانی باورمند به تفکرات داعش و مستعد برای کنش تروریستی در غرب رشد کرده‌اند و از آنجا که نمی‌توان این کنش‌های ابتدائاً نامحسوس را در یک جامعه گسترده رصد کرد، امکان بروز تحرکات تروریستی همواره وجود دارد. داعش در حال حاضر اعضا و هواداران خود را تشویق می‌کند تا از بروز رفتارهایی که ممکن است هویت اسلامی و وابستگی سازمانی آنها را برای پلیس و سرویس‌های اطلاعاتی آشکار کند، اجتناب کنند. از همین رو این گروه اخیراً با انتشار کتابچه‌ای به زبان‌های عربی و انگلیسی آنها را به تراشیدن ریش، آویختن صلیب به گردن و همچنین اجتناب از پوشیدن لباس‌های عربی و رفتن مسجد دعوت و تشویق کرد.

نژادپرستی، اسلام‌ستیزی، اسلام‌هراسی و رشد گروه‌های راست‌گرای افراطی نیز از دلایل نارضایتی جامعه مسلمان؛ طرد آنها در جامعه و سوق دادن آنها به سوی گروه‌های افراطی است. جامعه مسلمان باورمند در اروپا، سکونت خود در غرب را نه از سر شوق بلکه از روی اجبار می‌داند با این حال بر این باور است باید از آزادی‌های موجود در غرب و حقوق شهروندی و مدنی برخوردار باشد، امری که از نظر منطقی نیز قابل دفاع است، اما افراط‌گرایان مذهبی، گروه‌های نژادپرست و سیاستمداران تندرو قائل به برخی از این حقوق نیستند و برخوردهای نامحترمانه‌ای را با مسلمانان و اماکن دینی آنها دارند

مانند به سرقت رفتن سلاح‌های شیمیایی لیبی و دستیابی عناصر نزدیک به داعش به شبیه‌ساز پرواز هواپیما در این کشور می‌تواند تهدیدات و مخاطرات گسترش افراط‌گرایی مذهبی و رشد داعش و داعشیسم را بیش از پیش گسترش دهد، امری که ترس از آن اگرچه اعضای شورای امنیت و کشورهای درگیر در بحران‌های منطقه را به هم نزدیک ساخته اما به نظر می‌رسد تا حصول موضعی واحد، راه پر مانعی در پیش است و تارفع موانع موجود این پدیده همچنان گسترش می‌یابد.

خطرات تروریسم، بازیگران را به سوی ادامه تلاش‌ها برای رسیدن به راه‌حل سیاسی و تلاش برای تضعیف و محدودسازی داعش سوق داده است. در این میان داعش نیز برای فشار بر غرب راهبردی جدید یعنی توسعه تروریسم فردی با تحول در شیوه تروریستی موسوم به «گرگ‌های تنها» را در دستور کار خود قرار داده و تا کنون نیز موفق عمل کرده است. این گروه برای حفظ هسته اصلی و مرکزی خود، کمربند محافظتی و لایه‌های پیرامونی را فعال کرده و در این راستا همانند گذشته با مهارت بالا از فناوری و امکانات عصر اطلاعات و جامعه شبکه‌ای بهره می‌برد و از آنجا که بسترهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مانند دخالت‌های غرب در خاورمیانه، حکومت‌های دیکتاتوری در منطقه، تبعیض علیه مسلمان و بدرفتاری با آنها و وضعیت نامساعد اقتصادی آنان در غرب همچنان وجود دارد، جلوگیری از اقدامات تروریستی داعش و مهار گرگ‌های تنها دشوار است. در واقع همان‌طور که بیان شد این گرگ‌ها واقعاً تنها نیستند اما به دلیل زندگی در عصر اطلاعات امکان شناسایی کلیت زیرشبکه‌ها برای غرب و سرویس‌های امنیتی میسر نیست و از همین روست که آنها بر مفهوم گرگ‌های تنها تأکید می‌کنند. به بیانی دیگر ناتوانی سرویس‌های امنیتی در شناسایی شبکه‌ها و زیرشبکه‌های تروریستی وابسته به داعش سبب شده آنها این تروریست‌ها را افراد خودسر و بدون وابستگی سازمانی معرفی کنند، حال آنکه این وابستگی اگر چه محسوس نیست اما وجود دارد. علاوه بر این بدیهی است که وابستگی در عصر اطلاعات و جامعه شبکه‌ای، از مفهومی متفاوت از گذشته برخوردار است.

نکته دیگری که در غرب همواره مورد تأکید قرار می‌گیرد، نسبت دادن گرگ‌های تنها به کلیت اسلام و جامعه اسلامی است. حال آنکه این افراد معتقد به خوانش‌های خاص و عمدتاً وهابی از اسلام هستند که مروجان آن نیز از قضا هم‌پیمانان غرب در منطقه‌اند. این در حالی است که جامعه غربی نیز با این پدیده دست به گریبان بوده و گرگ‌های تنها صرفاً پدیده‌ای برخاسته از میان مسلمانان تندرو نیست و نژادپرستان و راست‌گرایان افراطی مانند «اندرس بریویک» راست‌گرای افراطی نروژی که در سال ۱۱۰۲، ۷۷ نفر را به قتل رساند به جامعه مسیحیان افراطی و صهیونیست غرب تعلق داشت.

به طور کلی آنچه اهمیت گسترش پدیده گرگ‌های تنها در شکل نوین خود را نشان می‌دهد، توان بالقوه این پدیده در به چالش کشیدن امنیت جهانی است. از این رو حتی کشورهایی مانند ایران نیز ممکن است از گزند این پدیده در امان نمانند. این پدیده در کنار عواملی